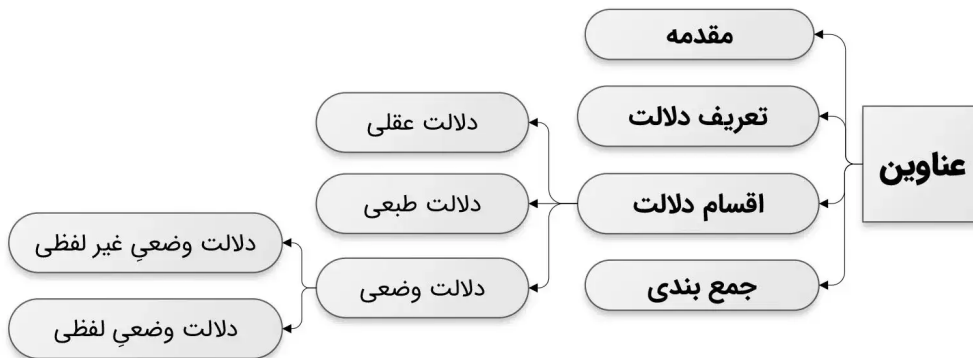


آشنایی با انواع دلالت در علم منطق



مقدمه

یکی از مباحثی که در علم منطق با آن آشنا می‌شویم، بحث «انواع دلالت» است. احتمالاً زیاد برایتان پیش آمده که با دیدن یک صحنه یا شنیدن یک صدا، به وجود چیز دیگری پی ببرید؛ مثلاً بعد از دیدن دود، متوجه آتش‌گرفتن جایی شده باشید. به این انتقال ذهن از یک چیز به چیز دیگر، «دلالت» گفته می‌شود و قصد داریم در این نوشته با اقسام آن آشنا شویم.

الف) تعریف دلالت

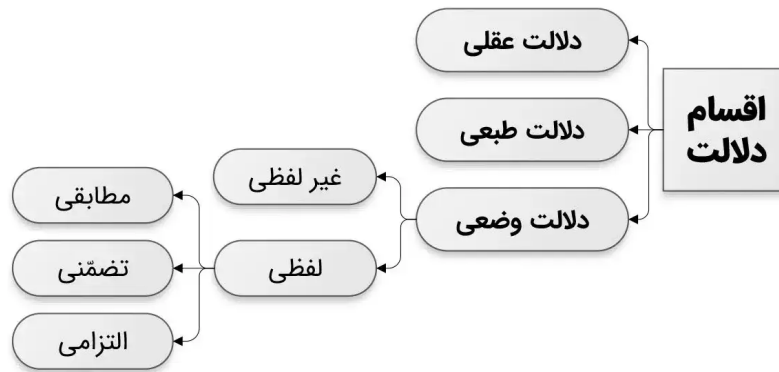
احتمالاً با توضیحی که در مقدمه داده شد، به تعریف دلالت پی برده‌اید. دلالت به حالتی گفته می‌شود که از علم به یک چیز، به چیز دیگری علم پیدا کنیم. مثلاً با دیدن خمیازه کشیدن کسی، متوجه می‌شویم که او خسته است. منطق‌دانان برای توصیف این حالت، می‌گویند: «خمیازه دلالت بر خستگی دارد».

در مثالی که بیان شد، اصطلاحاً به خمیازه «دال»، به خستگی «مدلول» و به این حالت انتقال ذهن، «دلالت» می‌گویند.

ب) اقسام دلالت

دلالت انواع مختلفی دارد که برخی اعتباری و برخی دیگر غیر اعتباری هستند. اهمیت همه این اقسام برای ما به یک اندازه نیست؛ چرا که آشنایی با برخی از آن‌ها برای جلوگیری از مغالطات ضروری است و برخی دیگر کاربرد کمتری دارند.

اما از آنجا که توضیحات مفصلی ندارند، سعی میکنیم با همه آنها آشنا شویم:



۱. دلالت عقلی

در دلالت عقلی، بین دال و مدلول رابطه علیت وجود دارد و منشأ انتقال ذهن ما از دال به مدلول نیز همین است. مثلاً ما علم داریم که دود معلول آتش است و همین علم موجب می‌شود هنگامی که با دود مواجه می‌شویم، پی به آتش ببریم.

گاهی نیز رابطه دال و مدلول به این شکل است که هر دو، معلول یک علت هستند؛ مثلاً ما علم داریم که آتش علاوه بر دود، حرارت زیادی نیز تولید می‌کند و همین علم موجب می‌شود هنگام مواجه با دود، پی به حرارت زیاد محدوده‌ای که دود از آن بلند می‌شود، ببریم. $\Rightarrow$ این مورد نیز از اقسام دلالت عقلی به شمار می‌رود.

۲. دلالت طبعی

در دلالت طبعی، رابطه بین دال و مدلول ناشی از ویژگی خاصی است که در طبیعت انسان‌ها وجود دارد؛ مثلاً ما به محض دیدن گریه کردن یک شخص، پی به ناراحتی او می‌بریم. یا به محض دیدن خمیازه کشیدن کسی، متوجه خستگی او می‌شویم.

همانطور که احتمالاً حدس زده‌اید، این رابطه همیشگی نیست؛ مثلاً گاهی اوقات گریه کردن از خوش‌حالی زیاد است نه ناراحتی، یا گاهی خمیازه کشیدن به دلیل نیاز بیشتر بدن به اکسیژن است نه خستگی. $\Rightarrow$ به همین دلیل به این نوع دلالت نمی‌شود خیلی اعتماد کرد و در مباحث عقلی نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

۳. دلالت وضعی

در دلالت وضعی، رابطه بین دال و مدلول ناشی از وضع و قرار داد است؛ مثلاً ما انسان‌ها با هم قرار گذاشته‌ایم که برای فهماندن «توقف ممنوع» از یک تابلو با رنگ‌آمیزی خاص در خیابان استفاده کنیم. این قرارداد باعث می‌شود ذهن ما به

شرطی که از آن قرارداد مطلع باشد} به محض دیدن آن تابلو، به معنای «توقف ممنوع» منقل شود. ==> به این نوع دلالت‌ها، دلالت وضعی گفته می‌شود. البته دلالت وضعی خود دارای انواع مختلفی است که عبارتند از:

۱.۳. دلالت وضعی غیر لفظی

همانطور که از اسمش پیداست، منظور دلالتی است که دال آن لفظ نباشد. همان مثال تابلو «ایست ممنوع» که کمی بالاتر بیان شد، مثال خوبی برای این مورد است.

۲.۳. دلالت وضعی لفظی

اما دلالت وضعی لفظی که از اهمیت بیشتری برخوردار است، به دلالتی گفته می‌شود که دال آن لفظ باشد. مثلاً ما انسان‌های فارسی‌زبان قرارداد کرده‌ایم که لفظ «انگور» را برای میوه خاصی که همگی با آن آشنایی داریم، به کار ببریم. این قرارداد باعث می‌شود ذهن ما {به شرطی که از آن قرارداد مطلع باشد} به محض دیدن یا شنیدن لفظ «انگور»، به آن میوه خاص منتقل شود و منظور متکلم را بفهمد.

دلالت لفظی خودش شامل سه نوع دلالت می‌شود که دانستن آن‌ها اهمیت زیادی دارد و هدف اصلی این نوشته نیز، آشنایی شما با این سه قسم است:

- **دلالت مطابقی:** در دلالت مطابقی، لفظ، دلالت بر تمام معنای خودش می‌کند. مثلاً لفظ «خانه» را در جمله «امروز خانه خود را فروختم» در نظر بگیرید. در اینجا ذهن ما از لفظ «خانه» به تمام معنای آن منتقل می‌شود؛ یعنی می‌فهمیم که صاحب خانه، تمام اجزای خانه از جمله در، دیوار، سقف و ... را فروخته است. ==> در این موارد، اصطلاحاً گفته می‌شود مدلول لفظ و موضوعْله (معنا) آن مطابق هم بوده و دلالت مطابقی رخ داده است.
- **دلالت تضمینی:** در دلالت تضمینی، لفظ، بر جزئی از معنای خودش دلالت می‌کند. مثلاً لفظ «خانه» را در جمله «امروز خانه خود را رنگ زدم» در نظر بگیرید. در اینجا ذهن ما از لفظ «خانه» به تمام معنای آن منتقل نمی‌شود، بلکه فقط به بخشی از آن یعنی «دیوارهای خانه» منتقل می‌شود. ==> در این موارد، اصطلاحاً گفته می‌شود مدلول لفظ در ضمنِ موضوعْله (معنا) آن قرار دارد و دلالت تضمینی رخ داده است.
- **دلالت التزامی:** در دلالت التزامی، لفظ، نه دلالت بر تمام معنایش و نه حتی دلالت بر بخشی از آن دارد؛ بلکه دلالت بر یک معنایی دارد که ملازم و همراه معنایش است. مثلاً لفظ «قندان» را در کلام دوست‌تان که قصد چایی خوردن دارد و می‌گوید «لطفاً قندان را برایم بیاور» در نظر بگیرید. در اینجا ذهن ما از لفظ «قندان» به «قند» منتقل می‌شود و متوجه می‌شویم که دوست‌مان قند می‌خواهد. ==> در این موارد، اصطلاحاً گفته می‌شود مدلول لفظ، ملازم و همراه موضوعْله (معنا) آن بوده و دلالت التزامی رخ داده است.

برای تحقق دلالت التزامی، وجود دو شرط ضروری است و اگر هر یک از این دو شرط منتفی شود، دلالت التزامی نیز شکل نخواهد گرفت. آن دو شرط عبارتند از:

- تلازم و مقاربت ذهنی میان معنای لفظ و معنای ملازم با آن؛ مثلاً در ذهن ما بین مفهوم «قندان» و «قند» باید نزدیکی و تلازم وجود داشته باشد تا از یکی به دیگری منتقل شود. $\Rightarrow$ این تلازم ممکن است از خارج از ذهن نشأت گرفته باشد {مثلاً در خارج قند و قندان همیشه در کنار هم باشند و به این دلیل در ذهن ما نیز بین مفاهیمشان تلازم برقرار شده باشد} یا منشأ دیگری داشته باشد. $\Rightarrow$ آنچه مهم است وجود این تلازم در ذهن می‌باشد و فرقی نمی‌کند منشأ این تلازم چه چیزی باشد.
- این تلازم باید به نحوی باشد، که ذهن به محض تصوّر معنا {مثلاً قندان}، به ملازم آن {یعنی قند} منتقل شود و نیاز به وساطت چیز دیگری نباشد. $\Rightarrow$ اصطلاحاً به این نوع از تلازم، «تلازم بیّن به معنای أخص» گفته می‌شود که در نوشته‌های بعدی، با آن و دیگر اقسام تلازم بیشتر آشنا می‌شویم.

جمع‌بندی

دانستیم که دلالت به حالتی گفته می‌شود که از علم به یک چیز، به چیز دیگری علم پیدا کنیم. این دلالت به حسب رابطه‌ای که بین دال و مدلول وجود دارد، به انواع مختلفی تقسیم شد؛ گاهی رابطه از نوع علیت است (دلالت عقلی)، گاهی ناشی از خصوصیتی که در طبع انسان وجود دارد (دلالت طبیعی) و گاهی ناشی از وضع و قراردادی است که بین انسان‌ها صورت می‌گیرد (دلالت وضعی).

از میان همه انواع، دلالت وضعی در مباحث منطقی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا غفلت از انواع آن و خلط آن‌ها با هم، موجب خطای در تفکر می‌شود. درباره خطاهایی که با این غفلت پدید می‌آیند، در بخش مغالطات بحث خواهیم کرد. {پس از آماده شدن نوشته‌اش، لینکش را در اینجا نیز قرار خواهم داد.}